



Rural People-Oriented Governance: Implementation and functions

Mahdi Shoja¹, Mohsen Abedi²

¹Ph.D. Student, Faculty of Social Science, University of azad tehran vahed olum or tahghighat
Tehran, Iran, M.Shoja88@gmail.com

² Former Graduate Student, Department of Agricultural Extension, College of Agriculture, Shiraz University
Shiraz, Iran, Mohsenabedi70@yahoo.com

Corresponding author: Mahdi Shoja, M.Shoja88@gmail.com

Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. Villages are among the most fundamental components for the survival of human civilization. Therefore, over the past decades, many programs and measures have been implemented in order to develop rural areas in different parts of the world, especially in Iran. Since these programs mainly had top-down planning, organization, and implementation, they did not meet the expected level of public satisfaction. With the evolution of knowledge about the inefficiency of the top-down approach and also due to the shortcomings of the bottom-up approach, people-oriented governance has been considered to move in the direction of sustainable rural development. Using library and internet resources, present study investigates the implementation requirements and the functions of the new model. It should be finally mentioned that the results provide the policy makers, local communities and other stakeholders with new insights to implement an efficient rural development management system.

Keywords: People-Oriented Governance, Sustainable Rural Development, Development Management

حکمرانی مردم پایه‌ی روستایی: پیاده‌سازی و کارکردها

مهدی شجاع¹، محسن عابدی²

1 - دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد تهران، واحد علوم و تحقیقات

2- دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز

چکیده. روستاها از بنیادی‌ترین اجزا جهت بقای تمدن بشری است. با توجه به این موضوع، در طول دهه‌های گذشته، برنامه‌ها و اقدامات زیادی جهت توسعه‌ی روستایی در نقاط مختلف دنیا و بویژه ایران، به اجرا درآمده است. از آنجا که برنامه‌های مذکور به میزان بسیار زیادی تحت رویکرد از بالا به پایین، برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرا شده‌اند، میزان رضایت عمومی مورد انتظار را به همراه نداشته است. با وفور شناخت نسبت به عدم کارایی رویکرد مذکور و نیز با توجه به نارسایی‌های رویکرد پایین به بالا، الگوی حکمرانی مردم‌پایه جهت حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار روستایی مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، الزامات پیاده‌سازی و کارکردهای الگوی مورد اشاره را بررسی می‌کند. در پایان، نتایج مطالعه، بینش‌هایی نو را برای سیاست‌گذاران، جوامع محلی و سایر ذینفعان جهت پیاده‌سازی یک نظام مدیریت توسعه‌ی روستایی کارآمد را فراهم می‌آورد.

کلیدواژگان: حکمرانی مردم‌پایه، توسعه‌ی پایدار روستایی، مدیریت توسعه

محوری بودن مناطق روستایی از نظر تولید غذا و نقش موثر آنها در حفظ و بقا تمدن بشری، ضرورت توجه به توسعه روستایی و تقدم آن بر توسعه مناطق شهری را بیش از پیش نمایان می‌سازد. نظر به پیوستگی توسعه مناطق روستایی به توسعه مناطق شهری از جهات زیاد بخصوص مسائل بیکاری و تراکم جمعیت شهری، تسهیل جریان ورود امکانات اقتصادی و زیرساختی به روستا، متمتع شدن آنها و توسعه سرمایه‌ی انسانی در مناطق روستایی را موجه، مقرون به صرفه و عقلانی می‌سازد.

در این رابطه، اعتقاد بر این است که با توجه به جمعیت زیاد مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای نه‌چندان ثروتمند و نرخ زیاد رشد آن، محرومیت و برخورداری کمتر آنها، اقدام در راستای توسعه روستایی، الزامی بدون قید و شرط است [۱]. آنها، بیان می‌کنند که تشدید نابرابری‌ها و میزان بیکاری و مهاجرت روستاییان به شهرها و مشکلات ایجاد شده ناشی از افزایش جمعیت شهرها، چون رشد حاشیه نشینی و ناموزون به عنوان عواقب توسعه نیافتگی روستاها، دلایلی استوار برای توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری است. به طور کلی، مفهوم توسعه روستایی تبیین‌کننده‌ی فرآیندی است جهت بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه‌های روستایی، بسط منافع توسعه در میان آنها [۱]، افزایش فرصت‌های قابل دسترسی برای افراد، افزایش امکانات بهره‌وری از آنها، و بطور کلی، تغییرات مطلوب در جهت افزایش تاب‌آوری جوامع روستایی. بنابراین، فرآیند مورد اشاره، جامعه‌ی هدف خود را از یک انزوای سنتی به سمتی هدایت خواهد داد که با اقتصاد ملی عجین شده باشد.

فرآیند تغییر در محیط‌های روستایی، چند بعدی بوده و موضوع آن بهبود و ارتقای کلی کیفیت زندگی اقشار روستایی و آسیب‌پذیر اجتماع است. مکانیسم عمل فرآیند مذکور، استفاده از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی جوامع روستایی است. با استفاده از سازوکارهای یادشده، تلاش حداکثری اقدامات توسعه روستایی در راستای تقویت قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیار جامعه هدف است تا به واسطه‌ی آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب‌تر تغییر دهند.

اگر چه حرکت در مسیر توسعه روستایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است ولی تحقق آن نیازمند دگرگونی‌های دیگری در ساختارهای نهادی، فنی و مدیریتی است که بتواند منجر به تغییرات مطلوب شود تا توانایی پاسخگویی به نیازهای اساسی روستاییان و ارتقای کیفیت زندگی، تقویت اتکا به نفس، آزادی انتخاب و عاملیت روستاییان در فرآیند توسعه را داشته باشد.

در ایران و در طول دهه‌های گذشته، برنامه‌های زیادی در قالب توسعه روستایی با هدف افزایش تولیدات کشاورزی و توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی به اجرا درآمده‌اند. سیل ورود نوآوری‌ها، امکانات و توسعه زیرساخت‌ها و بهبود فضاهای روستایی به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی از مهمترین این موارد بوده‌اند. گرچه آثار مثبت زیادی از آن حرکات جهادی بر جای مانده اما عطش توسعه سریع و حرکت در مسیر توسعه اقتصادی صرف که گاهی با اتخاذ برخی سیاست‌های هر چند محدود ولی نامناسب در بخش کشاورزی و محیط‌های روستایی همراه بود، باعث شد هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم و منابع نهادهای تولید در جوامع روستایی وارد گردد، گرچه منافع کوتاه‌مدت آن بسیار خوشایند بود. سیاست خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک مثل گندم، سیاست توسعه و گسترش سدها و بسیاری از موارد دیگر که منجر به خشک شدن آبخوان‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌هایی مثل دریاچه ارومیه گشت، چالش‌هایی شگرف و بدیعی را متوجه جوامع روستایی کشور ساخت. غلبه رویکرد از بالا به پایین در طراحی و تصمیم‌گیری برای توسعه روستایی، دخالت محدود اقشار روستایی و شدت یافتن گذار تغییر اقلیم در کشور با وفور نوسانات اقلیمی مانند خشکسالی بویژه از ابتدای دهه‌ی ۸۰ شمسی، باعث شد وخامت اوضاع نابسامان روستاها رو به فزونی رود و معضلات جدیدی متأثر از سیاست‌های فوق‌الذکر و عوامل طبیعی ایجاد شود.

ادامه روند مذکور، کاهش تولیدات در مناطق روستایی، کاهش درآمدها و عایدات منجر به مسائل اجتماعی گسترده‌ای مانند نزاع‌های اجتماعی در سطح روستاها شده و در بسیاری موارد، باعث مهاجرت و افزایش پدیده‌هایی مثل زاغه‌نشینی، گسترش شغل‌های کاذب و ناهنجاری‌های اجتماعی دیگری در حاشیه‌ی شهرها شده است. بنابراین، برنامه‌های توسعه روستایی ایران به دلیل فقدان برنامه‌ریزی و ساختاردهی مناسب و همچنین عدم وجود مدیریت جامع و کارآمد با چالش‌ها و نارسایی‌هایی اساسی روبرو بوده و در صورت تدام روند فعلی سیاست‌گذاری و

تصمیم‌گیری، آن معضلات، ادامه خواهند یافت.

الگوی مدیریتی غالب برنامه‌های توسعه در کشور با رویکرد بالا به پایین و نقصان در جلب مشارکت آحاد مردم در برنامه‌ریزی، پایش و ارزیابی توسعه، موجب جدایی مردم از برنامه‌ها و دورنگهداشتن آنها از متن توسعه شده است؛ در حالی که نقش و جایگاه اجتماعات روستایی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، ضرورت توجه به آنها را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. از طرف دیگر پیامدهای عقب‌ماندگی مناطق روستایی چون فقر، نابرابری، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره که عموماً به دلیل فقدان سازوکار مدیریتی مطلوب ایجاد می‌شوند، لزوم توجه به تغییر پارادایم مدیریت توسعه‌ی روستایی و قرار گرفتن در مسیری تحت عنوان "توسعه با مردم روستایی، به‌وسیله‌ی مردم و برای آنها" را دوجندان می‌کند. با توجه به شناخت رو به افزایش از عدم کارایی مسیر فعلی توسعه‌ی روستایی و الگوی مدیریت آن در کشور، نیازی مبرم جهت حرکت به سمت توسعه‌ی پایدار با استفاده از تمام ظرفیت‌های الگوی حکمرانی مردم‌پایه وجود دارد تا مانایی و پایداری محیط‌های روستایی تضمین شود. با توجه به موارد فوق، در این مطالعه تلاش می‌شود تا ارتباط مفاهیم پایداری، توسعه‌ی پایدار و الگوی نو و جهان‌شمول "حکمرانی مردم‌پایه" به عنوان مطلوبیت در مناطق روستایی مورد واکاوی قرار گیرد. تمرکز این مقاله به طور اختصاصی بر تشریح مفاهیم فوق‌الذکر، چگونگی حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار با استفاده از الگوی حکمرانی مردم‌پایه، چگونگی پایه‌ریزی آن و کانال‌های تاثیرگذاری آن بر توسعه‌ی پایدار مناطق روستایی است.

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

مبانی نظری

پایداری و توسعه‌ی پایدار مناطق روستایی:

پایداری، مفهومی رشدیافته در اواخر دهه ۱۹۸۰، قابل تفسیر به صورت چندبعدی و به استفاده از منابع اقتصادی، اجتماعی طبیعی و زیست-محیطی در یک موضع با ارتباط بین‌نسلی اشاره دارد. توسعه‌ای پایدار خواهد بود که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آنکه تهدیدی برای نسل‌های آینده در تامین نیازهایشان باشد. با توجه با این تعریف می‌توان گفت هدف توسعه‌ی پایدار، تامین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و آینده‌ای امن‌تر و سعادتمندانه‌تر است. بنابراین، استفاده از منابع کنونی در دسترس بشر برای تعالی رشد محدودیت‌هایی خواهد داشت. توسعه‌ی پایدار روستایی به عنوان یکی از الزامات اصلی در ادبیات پایداری مطرح بوده و به عنوان وسیله‌ای جهت نیل به اهداف پایداری به کار گرفته می‌شود. به کارگیری این پارادایم در مناطق روستایی و نیل به اهداف آن، بیش از هر چیز دیگری نیاز به تغییر در رویکرد تصمیم‌گیری، طراحی، پایش و ارزیابی برنامه‌های توسعه را نمایان می‌سازد.

امروزه با وفور شناخت مطلوب از اثرات نه‌چندان مطلوب برنامه‌ریزی متمرکز، دیدگاه‌های مناسبی در میان سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و نهادهای مدنی نسبت به لزوم تحول بنیادین در روند مدیریت توسعه‌ی روستایی و انتقال از حاکمیت دولت به حکمرانی و توزیع قدرت ایجاد شده است. به عنوان مثال، توسعه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی قدرت حکمرانی مردم نواحی روستایی به شکلی جدی‌تر از گذشته، مورد توجه برخی نهادهای بین‌المللی و بین‌الدولی مانند اتحادیه‌ی اروپا به عنوان یک نهاد پیشرو در مسیر مذکور، قرار گرفته است. در این راستا، سیاست‌های توسعه‌ی روستایی اتحادیه اروپا در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ شامل موارد زیر بوده است [۲]:

- ✓ توسعه‌ی محلی
- ✓ کیفیت تغذیه و سلامت
- ✓ حفاظت زیست‌محیطی از مناطق روستایی
- ✓ کشاورزی اکولوژیکی
- ✓ ایجاد و تنوع بخشی در اشتغال
- ✓ گسترش برابری

✓ بهبود حکمرانی محلی و توسعه‌ی سرمایه اجتماعی درونزا

مفهوم حکمرانی مردم‌پایه

مفهوم حکمرانی به عنوان الگوی جدید توسعه‌ی پایدار، از اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد متون جامعه‌شناسی سیاسی و اداره امور محلی شد و دلالت بر موضوع با محتوایی قدیمی درباره رابطه با قدرت و جامعه داشت [۳]. حکمرانی مردم‌پایه، الگویی است که در پی ناکارآمدی ساز و کارهای پیشین توسعه، توسط کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شده و در حال تلاش برای بکارگیری سیاست‌هایی است که تعداد قابل توجهی از کنشگران نهادی و اجتماعی را درگیر می‌کند. این پارادایم، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به منظور استقرار و نهادینه‌سازی جامعه‌ی مدنی در سیاست‌های مربوط به اعطای کمک‌های بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است [۴].

حکمرانی مردم‌پایه، هم‌آیند واژه‌هایی چون مردم‌سالاری، جامعه مدنی، مشارکت مردمی، اعتماد، حقوق بشر، حقوق اجتماعی و توسعه‌ی پایدار است [۶]. این مفهوم دلالت بر نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادهای مختلف داشته [۴]، و فرآیند ترسیم‌کننده‌ی نوع کنش و واکنش متقابل مسئولان، برنامه‌ریزان و آحاد مردم در سطوح کلان تا خرد [۵]، به صورت تغییر پارادایم رهبری است که مشارکت یکسان و برابر تمام ذینفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری به عنوان نقطه کانونی آن مطرح است [۶]. تضاد با حکومتی بودن برای برقراری همکاری و تعاون با هدف نظم بخشیدن به امور اجتماعی و اتخاذ رویه‌ای متفاوت با رویکردهای بالا به پایین دولتی، عناصر اصلی حکمرانی مردم‌پایه به شمار می‌روند. به بیان دیگر، در این الگو بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل بخش دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی تاکید شده تا به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده کنند و فرصت‌های مناسب توسعه را با درگیر کردن کنشگران مختلف ایجاد کنند [۴]. با توجه به موارد فوق‌الذکر، سازه‌ی حکمرانی مردم‌پایه می‌تواند منعکس‌کننده‌ی موارد زیر باشد [۷]:

- ✓ دایره‌ای از موسسات و نهادهای حاکم بر سیاست
- ✓ مشارکت بخش خصوصی و نهادهای مدنی به صورت کنشگران و فعال
- ✓ روابط درونی و همکاری‌ها (عمودی و افقی) بین و در میان نهادهای درگیر در سیاست‌گذاری
- ✓ همکاری‌های محلی بین بخش خصوصی، نهادها و بخش عمومی (دولتی)، مسئولان و عموم مردم و شبکه‌های کنشگران که می‌توانند پایه‌گذار حکمرانی مردم‌پایه باشند.

✓ برنامه‌ریزی و هدایت فراتر از دولت و توانمندسازی دیگر کنشگران برای وضع سیاست‌ها

به بیان واضح‌تر و مطابق با مقیمی و اعلائی اردکانی [۶]، حکمرانی مردم‌پایه از سه منظر قابل مشاهده است: الف) حکمرانی مردم‌پایه شامل ارتباطات دو جانبه، حمایتی و تشریک مساعی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. ب) حکمرانی مردم‌پایه بر طبق اصول مشارکت، شفاف‌سازی تصمیمات، پاسخگویی، تساوی در برابر قانون، پیش‌بینی‌پذیری، فعالیتهای مردم‌سالارانه، آزادی‌های مدنی و دسترسی به اطلاعات است و ج) حکمرانی مردم‌پایه در مفهوم مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی تلقی می‌شود که غایت آرزوی نهادها، سازمان‌های دولتی و سازمان‌های بین‌المللی است.

۳- روش پژوهش

این مقاله توصیفی از شیوه مرور منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به منظور تبیین الگوی مدیریت توسعه‌ی پایدار روستایی بر مبنای پارادایم حکمرانی و تشریح آن استفاده کرده است.

۴- یافته‌های پژوهش

حکمرانی مردم‌پایه‌ی روستایی و مدیریت توسعه

همزمان با طرح و استفاده از مبنای فکری حکمرانی مردم‌پایه در ادبیات توسعه، نگاه‌ها به سمت بحث و نقد سیاست‌های توسعه‌ی مدرن مناطق روستایی معطوف شد [۳]، به این دلیل که این مفهوم بیش از هر چیز دیگری، نشان‌دهنده‌ی الزام برای تغییر رویه‌ها و سازوکارهای خطی

برنامه‌ریزی و طراحی توسعه و قرار دادن آنها در یک فضای تعاملی بود. مطابق با افتخاری و همکاران [۵]، حکمرانی مردم‌پایه‌ی روستایی به عنوان فرآیندی انگاشته می‌شود که در آن تأثیرگذاری همه‌ی ارکان دخیل در محیط روستا بر مدیریت روستایی دیده شده و تمام سازوکارهای لازم جهت تعالی و پیشرفت محیط‌های روستایی و توسعه‌ی سرمایه انسانی در آنها پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر کارکرد حکمرانی مردم‌پایه روستایی همانا به اجرا درآوردن تصمیمات و سیاست‌های مردم روستایی، همسو با منافع خودشان است که در عین حال با منافع ملی، منطقه‌ای و محلی نیز سازگار است [۵].

به‌طور کلی، مقبولیت عمومی اندیشه‌ی "توسعه با مردم، به‌وسیله‌ی مردم و برای مردم" که بارزترین ابزار تحقق آن، تغییر رویه‌های حاکمیتی به شمار می‌رفت، سبب ورود مفهوم حکمرانی مردم‌پایه به ادبیات توسعه‌ی روستایی به عنوان یک تضاد مثبت و سازنده بود و با نقد سیاست‌هایی در نواحی روستایی رشد یافت که تا آن مقطع، مطلوب ارزیابی می‌شدند، بواسطه‌ی آنکه آثار مثبت محسوسی را در جوامع روستایی برجای گذاشته بودند. در حقیقت، آنچه که با ورود مفهوم حکمرانی مردم‌پایه به شکل ویژه‌ای مورد توجه صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفت، پاره‌ای از نقدها، آرا و عقایدی بود که بیشتر در حمایت از توده‌های روستایی و نهادهای محلی عمومیت پیدا کرد. میزان سازگاری برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ی روستایی با خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم روستایی و میزان تعدیل و تطبیق آن سیاست‌ها؛ شکل مداخله و مشارکت جوامع مذکور در فرآیند توسعه، طراحی، پایش و ارزیابی آن؛ میزان ظرفیت برنامه‌های مذکور برای پذیرش ایفای نقش فعال جوامع روستایی؛ مسئله اجماع نظر در طراحی توسعه؛ نقش فعال گروه‌های روستایی در انتقال نوآوری به مناطق روستایی یا صرف دیده شدن آنها به عنوان کاربر نهایی؛ حق تعیین سرنوشت؛ سهم معیشت و تولیدات معیشتی در الگوی مدیریت توسعه در آن مقطع؛ نقش دانش بومی و محلی روستاییان در شکل‌گیری راهبردها و رهیافت توسعه؛ میزان تسهیم دانش نوین و بومی و تولید مشارکتی دانش در نظام مدیریتی مذکور؛ حدود توجه به مدیریت مشارکتی و مردم‌پایه‌ی منابع و استفاده پایدار از آنها، از مهمترین مسائل مورد بحث در حوزه‌ی مذکور بود؛ گرچه هنوز هم مبنای نقد سیاست‌های مشابه در بسیاری از کشورها از جمله ایران است.

امروزه، گذار رو به رشدی از حکمرانی مردم‌پایه روستایی در بسیاری از کشورهای دنیا مثل کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی مثل چین و ... مشاهده می‌شود. حرکت رو به جلو آن کشورها در مسیر پایداری و توسعه‌ی پایدار، نوعی از هنجارهای پیشران جهت تقویت فرآیندهای طراحی و پیاده‌سازی فرآیندی مطلوب جهت مدیریت توسعه‌ی روستایی را در برابر دیدگان مدیران سطوح کلان، میانی و خرد کشور قرار داده است. تجربه‌های موجود در زمینه‌ی حکمرانی مردم‌پایه‌ی روستایی نمایشگر رهیافت‌های مشارکتی و دوسویه با کارکردهای مهم در زمینه‌ی افزایش توان جوامع محلی و پاسخگویی به نیازهای واقعی مردم روستایی است. بر خلاف الگوی مدیریتی دولتی غالب بر توسعه‌ی روستایی کشور، جلب مشارکت فردی و گروهی بهره‌برداران و سازمان‌های فعال در عرصه فعالیت‌های تولیدی روستایی و مدیریت مشارکتی در مرکز توجه الگوی یادشده قرار دارد. با در نظر گرفتن تنگناهای مدیریتی الگوی فعلی حاکم بر توسعه‌ی روستایی کشور و با توجه به الزام حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار با توجه به منابع محدود، نیازی محسوس جهت درگیری فعالانه آحاد مردم روستایی وجود دارد که با وجود شاخص‌های الگوی حکمرانی مردم‌پایه و در صورت بهره‌گیری از آنها، مشارکت خودجوش و گسترده نیز دور از انتظار نیست. شاخص‌های مذکور، از طریق کانال‌هایی در محیط روستایی تأثیرات مثبت خود را بر جای خواهند گذاشت که در ادامه مورد تشریح قرار می‌گیرند.

پیامدها و کارکردهای پایه‌ریزی حکمرانی مردم‌پایه روستایی

۱) حق اظهارنظر و پاسخگویی :

وجود حق اظهارنظر و پاسخگویی سبب بهبود عملکرد دولت خواهد شد. وجود آزادی‌های سیاسی اعم از آزادی بیان، قلم و اندیشه و وجود رسانه‌های متعدد، مستقل و آزاد، اعم از روزنامه، مجله، کتاب، رادیو و تلویزیون در هموارسازی مسیر توسعه، نقش عمده ای دارند. در چنین شرایطی آگاهی مردم بالا می‌رود و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می‌شود و دولت ناچار به عملکرد کارتر می‌شوند. در غیر این صورت از چرخه‌ی قدرت توسط آرای مردم حذف می‌شوند [۸]. در راستای این شاخص، مردم روستایی باید به صورت کنشگرانه در مطالبه‌گری، نقد و

هدایت برنامه‌های توسعه‌محور به سمت هدف غایی و مطلوب و هموارسازی مسیر یادشده فعال باشند. ظرفیت‌های فضای مجازی و دسترسی گسترده به رسانه‌های تصویری، شنیداری، دیداری و نوشتاری تا حدود زیادی این امکان را فراهم می‌کند

۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت :

ثبات سیاسی منجر به ایجاد محیط امن و آرام برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، گسترش تولید و اشتغال و در نهایت منجر به رشد و توسعه‌ی اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، ثبات سیاسی منجر به جذب سرمایه‌ی خارجی در بخش‌هایی از ظرفیت‌های اقتصادی روستایی که صنایع داخلی، توانمندی اجرای آن را ندارند نظیر صنایع پیشرفته معدنی و فرآوری مواد معدنی در مناطق مستعد روستایی خواهد شد که تبعات مثبت آن افزایش اشتغال، نگهداشت جمعیت روستایی و رونق کسب و کارها خواهد بود [۸].

۳) کارایی و اثر بخشی دولت :

توانمند بودن دولت، اجرای بدون تاخیر پروژه‌ها و ایجاد زیرساخت‌های روستایی، حمایت از صنایع روستایی، فراهم آوردن تسهیلات و مشوق‌ها برای سرمایه‌گذاری نوین در بخش کشاورزی و دامپروری در راستای ایجاد اشتغال و خروج جمعیت از روستا، تاثیر بسزایی در توسعه‌ی روستایی خواهد داشت [۸].

۴) کیفیت قوانین و مقررات :

تنظیم قوانین اختلال را در بازار مانند کنترل قیمت‌ها، حذف موانع غیراصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات (خصوصاً در مورد نهاده‌ها و ستاده‌های کشاورزی)، رفع محدودیت‌های زاید در بازار سهام، رفع محدودیت‌های تاسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، حذف مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه، در این گروه قرار می‌گیرند. قانون یکی از ابزارهای اصلی مداخله‌ی دولت در اقتصاد است. از دید نهادگرایان، دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به عنوان نهاد فراگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین می‌تواند نهادهای جدیدی تعریف، تاسیس و مستقر کند. همچنین دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب سایر نهادها و نیز کارکرد بازار در اقتصاد داشته باشد. جامعه‌ی توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که قانون در آن در حد بهینه، وضع شده باشد، نه چندان کم که رفتارهای بی‌قاعده و پر هزینه امور جامعه را مختل کند و نه چندان فراوان که راه را بر انتخاب بهینه افراد ببندد. اگر قانون‌گذار، قانون را در جهت بهبود حق مالکیت، ساختار نظام حقوقی و آموزشی تدوین و تصویب نماید، منجر به بهبود و ارتقای سرمایه انسانی و حقوق مالکیت شده و در نهایت منجر به توسعه‌ی روستایی می‌گردد [۸].

۵) حاکمیت قانون :

بانک جهانی، حاکمیت قانون را محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش تعریف می‌کند. حاکمیت قانون از طرق مختلف بر جذب موثر است. حاکمیت قانون از طریق توسعه‌ی کسب و کار و ایجاد بستر و فضای مناسب برای کارآفرینی می‌تواند باعث جلب نظر سرمایه‌گذاران شود. وقتی این امکان وجود دارد که شریک تجاری افراد از قراردادهای پیروی نکنند، میزان ریسک افزایش می‌یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود. بنابراین حاکمیت قانون سبب ایجاد فضای امن اقتصادی شده و بسترهای لازم برای گسترش تولید و کارآفرینی در بخشهای مختلف و مستعد از جمله اقتصاد روستایی، کشاورزی صنعتی و پیشرفته، دامداری مکانیزه و ... را فراهم می‌آورد [۸].

۶) کنترل فساد :

فساد فراگیر باعث می‌شود مشروعیت حکومت از بین برود و تضعیف حکومت و دولت سبب ناکارآمد شدن آن در جهت ایجاد نهادهای حمایت کننده از بازار محصولات کشاورزی و دامی می‌شود. در این شرایط، اگر بنگاه‌ها قادر باشند (از طریق رشوه و ...) در تصمیم‌گیری‌های دولت دخالت کرده و اصلاحات را به نفع خودشان تغییر دهند، مانع اجرای شفاف قوانین و مقررات و رقابتی شدن بازار می‌گردند که این در نهایت تاثیر منفی بر توسعه‌ی روستایی خواهد گذاشت [۸].

بطور کلی، هدف فرآیندهای توسعه‌ی روستایی، بهبود معیشت، آبادانی و عمران روستاها، حفظ محیط زیست، بهبود وضعیت اقتصادی، بهزیستی مردم روستایی، حل معضلات اجتماعی و مواردی از این قبیل است؛ با این حال، پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی این جوامع

و مکانهای جمعیتی، باید به عنوان نقطه‌ی ثقل برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گیرد. شاخص‌های حکمرانی مردم‌پایه در مناطق روستایی با مهیا کردن زمینه‌ی امکان انتقال صدای مردم محروم، قوانین مشخص، فراهم کردن حمایت‌های دولتی و بین‌المللی، جلوگیری از آسیب‌پذیری بیشتر قشر محروم بر فرآیند‌های عمران و توسعه‌ی روستایی اثرگذاری بسیار مثبتی خواهد داشت. مسلماً، درچنین شرایطی و از طریق کانال‌های مذکور، مردم روستایی و کشاورزان خیلی بیشتر از قبل در برنامه‌ها شرکت داده خواهند شد و با تفویض اختیاری که به آنها داده خواهد شد توانایی بهتری در ردیابی مشکلات عمرانی و توسعه‌ای و حل و فصل آنها خواهند داشت. آنها قادر خواهند بود نیازهای خود را به بهترین نحو مورد واکاوی قرار داده و در جهت رفع آنها بکوشند.

چگونگی پیاده‌سازی الگوی حکمرانی مردم‌پایه در مناطق روستایی جهت نیل به توسعه‌ی پایدار

تجربه چندین دهه تلاش‌های توسعه‌ای با رویکرد بالا به پایین و نتایج بدست آمده در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران نشان می‌دهد که رهیافت مذکور در یافتن راه‌حل مشکلات روستایی از قبیل فقر، بیکاری، نابرابری، مهاجرت، فرسایش منابع طبیعی و نابودی منابع تولید، موفقیت مطلوبی نداشته است. از طرفی دیگر، رویکرد از پایین به بالا نیز که بر استفاده و توانمندی ذینفعان محلی در برنامه‌ها تأکید می‌کند، ممکن است فرآیندهای حاکم بر اقتصاد بین‌الملل را نادیده گرفته و تلاش‌های افراد ذینفع را صرفاً معطوف به حل مسائل محلی کند. استفاده صرف از این رویکرد نیز اثر تخریبی بر توسعه و فرآیندهای مربوط به آن داشته و در مقابل توسعه قرار می‌گیرد. لذا امروزه ترکیبی از رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا مدنظر قرار گرفته است تا امکان بهره‌گیری از مزایای هر دو رویکرد و به حداقل رساندن معایب آنها را فراهم آورد [۱].

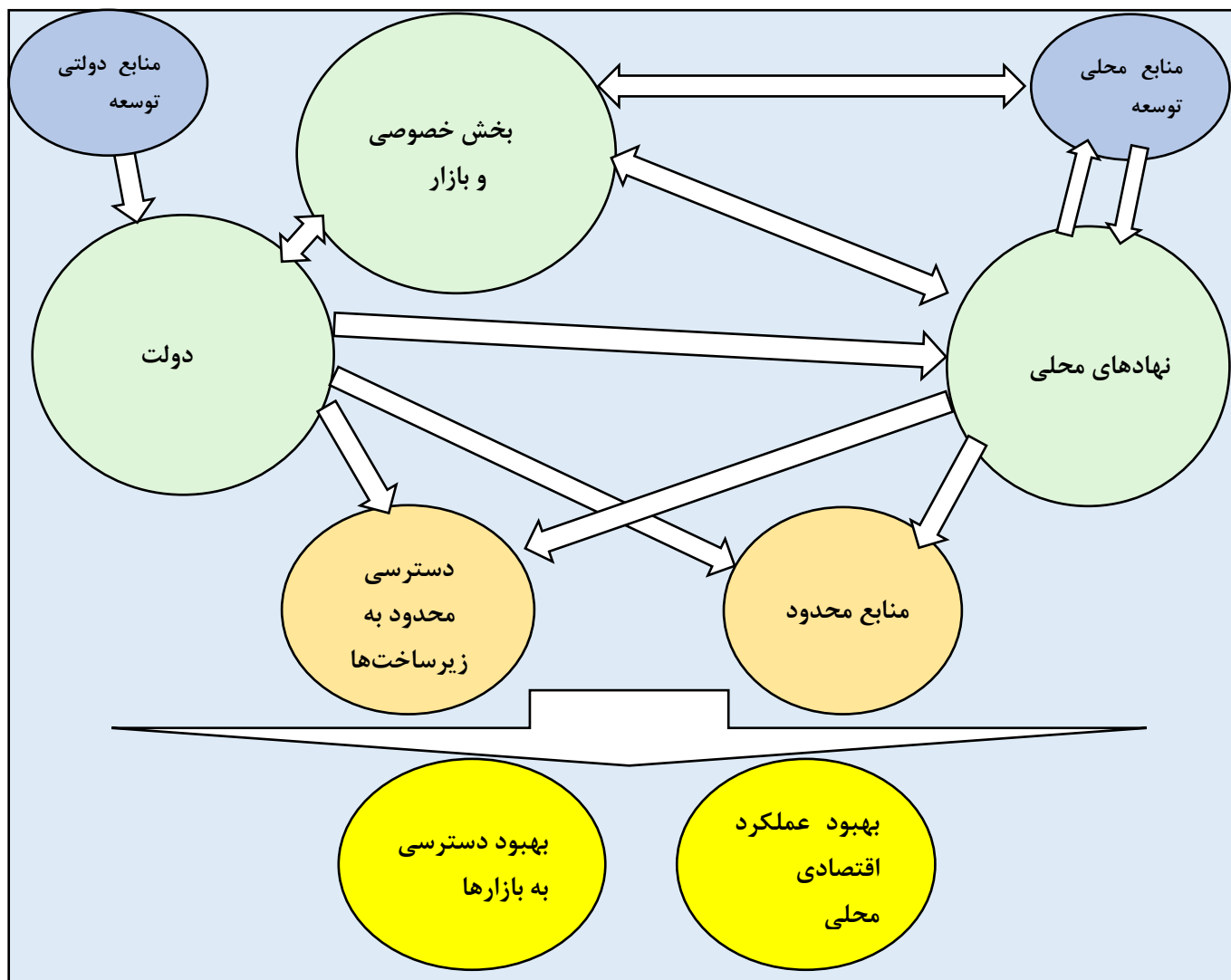
عینیت‌بخشی به الگوی ترکیبی یادشده و اجرای آن جهت نیل به توسعه‌ی پایدار، سازوکارهایی را می‌طلبد که حامی نهادهای مدنی، شبکه‌ها و گروه‌ها بوده تا عناصر مذکور بتوانند حقوق قانونی خود را مطالبه، تعهداتشان را برآورده و تضادهایشان با سیستم‌های بورکراسی را تعدیل کنند. با توجه به این موضوعات و همان‌طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، حکمرانی مردم‌پایه روستایی گزیداری مطلوب در این راستا خواهد بود. طبق گفته‌ی افتخاری و همکاران [۵]، در حکمرانی مردم‌پایه روستایی، نقش دولت‌ها بیشتر به عاملیت فراهم‌کننده‌ی بسترهای سخت افزاری و نرم‌افزاری، از جمله هماهنگ‌سازی و پاسداری از قوانین ملی محدود شده و از دخالت مستقیم و گاه غیر ضروری آنها در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین اداره و اجرای امور مربوط به زندگی مردم کاسته می‌شود. به بیان دیگر، تأکید عمده بر این است که مسیر عمومی اندیشه و مدیریت توسعه تقویت گردد و مردم روستایی خود برای سرنوشت‌شان تصمیم‌گیری کنند. هم‌چنین این فرآیند تضمین می‌کند که اولویت‌های توسعه‌ی پایدار سرزمین مبتنی بر اجماع و اتفاق‌نظر جامعه محلی باشد و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار نیز در فرآیند تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع توسعه شنیده شود [۵]. به بیان دیگر، در الگوی حکمرانی مردم‌پایه، موقعیت بالا و یا پایین بین سطوح کنشگران وجود ندارد و بین رهیافت‌های بالا به پایین سلسله مراتبی (تأمین‌کننده‌ی مشوق‌ها و انگیزه‌ها) و رویکردهای پایین به بالا (منعکس‌کننده‌ی خواست مردم روستایی) تقابلی وجود ندارد.

آنچه که در این سیستم نمایه می‌شود همانا مشارکت، تعامل، همکاری و هماهنگی است. در قالب رویکرد حکمرانی مردم‌پایه، جوامع محلی بدون وجود موانع دست و پاگیر سیستم‌های بورکراسی دولتی در جهت رفع نیازهای خود خواهند کوشید. آنها با مسائل مرتبط با ناهماهنگی‌های سازمانی و بین سازمانی درون سیستم‌های دولتی و مشکلات جزیره‌ای بودن سازمانها که گاه اجرای برنامه‌ها را با مشکلات جدی مواجه کرده است، مواجه نخواهند شد. تصمیمات محلی خواهند بود و آنها قادر خواهند بود که بهترین نحو مسائل مرتبط با عمران و توسعه‌ی روستاهای خود را مورد واکاوی، مدیریت و پایش قرار دهند. با توجه به موارد فوق، الگوی حکمرانی مردم‌پایه جهت مدیریت توسعه‌ی پایدار روستایی، به صورت زیر است (شکل ۱).

تشریح اجزای مدل حکمرانی مردم‌پایه در مناطق روستایی (شکل ۱) به عنوان الگوی گزیدار توسعه‌ی پایدار

منابع توسعه‌ای دولتی

منبع توسعه‌ای دولتی اشاره به آن منابع مالی و بودجه‌های توسعه‌ای دارد که از طریق سیستم دولتی توزیع می‌گردد [۹].



شکل ۱. الگوی مدیریت توسعه‌ی پایدار روستایی با رویکرد حکمرانی مردم‌پایه مطرح شده توسط ملکیان و حیاتی [۱]، بر پایه مدل توسعه روستایی یکپارچه نمز [۹]

منابع توسعه‌ای محلی:

این مفهوم، اشاره به منابع ارزشمند روستایی دارد که در سه دسته اجتماعی، فرهنگی و طبیعی (زیست محیطی) تقسیم‌بندی می‌گردد و شامل الف) ارزش‌های زیست محیطی شامل مواردی چون محیط‌زیست پاک، تنوع زیستی، تولیدات سالم، شرایط تولید خوب و با کیفیت بالا، محصولات کشاورزی خاص و مناظر فرهنگی و طبیعی است. ب) ارزش‌های فرهنگی مانند فرهنگ روستایی، (فرهنگ عامه)، هنر، صنایع دستی، روش‌های تولید و تولیدات خاص محلی، زبان و روش‌های سنتی روستایی را در بر می‌گیرد. ج) ارزش‌های اجتماعی به عنوان سومین دسته، شامل مواردی مانند شبکه‌های اجتماعی، روابط خویشاوندی، اعتماد و درک متقابل و شیوه‌های خاص ارتباطات روستایی می‌شود [۹].

دولت و نهاد های وابسته به آن:

در الگوی حکمرانی مردم‌پایه (شکل ۱)، دولت و نهادهای وابسته به آن که اساساً به صورت مداخلات از بالا به پایین سیاسی عمل کرده و دارای ساختار بوروکراتیک هستند، فقط تدوین قوانین و تقسیم منابع دولتی را بر عهده دارند [۹]. همچنین وظیفه هدایت برنامه‌ها در راستای اهداف توسعه‌ی کشور و هم‌جهت با توسعه‌ی پایدار بر عهده دولت و نهادهای دولتی خواهد بود.

نهاد های محلی:

نهادهای محلی در الگوی حکمرانی مردم‌پایه جهت مدیریت توسعه‌ی پایدار روستایی ضرورتاً در برگیرنده فرآیندهای پایین به بالا و درون‌زا

بخش خصوصی و بازار:

مطابق شکل ۱، بخش خصوصی و بازار در ارتباط متقابل با دولت و نهادهای محلی می‌باشد [۹]. بخشی از فعالان در این عرصه، بنگاه‌های اقتصادی خارج از محیط روستایی و بخشی دیگر را صندوق‌های اعتباری خرد و بنگاه‌های مالی خرد-مقیاس روستایی تشکیل می‌دهند.

منابع محدود:

منظور از منابع محدود (شکل ۱)، توانایی و منابع محدود برای تولید کالا و خدمات قابل فروش در بازار جهانی است. منابع محدود و دسترسی نامطلوب به آن در مناطق روستایی ناشی از وابستگی‌های طولانی‌مدت سیاسی و اقتصادی آنها به مراکز شهری، ساختار غیرمطلوب آنها، موقعیت جغرافیایی و کمبود برخورداری از کالا و اطلاعات و منابع مرکزی است و در سه دسته موسسات، انسانی و مالی دسته بندی می‌گردد. وجود نیروی انسانی پراکنده با سطح آموزش پایین، کمبود نیروی جوان و مهاجر این قشر، عدم وجود اعتماد در جامعه روستایی، ضعف در منابع مالی و کمبود موسسات مدنی عمومی از جمله این محدودیت‌ها در مناطق روستایی محسوب می‌شود [۹].

دسترسی محدود به زیرساخت‌ها:

منظور دسترسی محدود به زیرساخت‌های ضعیف فیزیکی مانند جاده، امکانات فیزیکی، ارتباطات از راه دور و غیره و یا زیرساخت‌های نرم مانند خدمات مالی و تجاری، موسسات آموزشی یا بهداشتی و غیره می‌باشد. دسترسی محدود به زیرساخت‌ها، زمینه‌ی محرومیت مناطق روستایی را از جریان زندگی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی سبب گردیده و موجب حفظ وضعیت توسعه‌نیافتگی می‌گردد [۹].

مطابق شکل ۱، دولت، نهادهای محلی، بخش خصوصی و بازار، در تعامل با یکدیگر هستند. همانگونه که در تصویر مشاهده می‌شود دواير یکسانی برای نشان دادن این سه بخش به کار برده شده که نشان از توسعه‌ی نهادسازی متناسب در هر سه بخش دارد. مطابق شکل ۱، کنترل، منابع و مسئولیت‌ها در سطوح مختلف سیستم پراکنده شده است و وجود نهادهای محلی توانمند یکی از شروط لازم تحقق توسعه‌ی پایدار روستایی در این مدل است. منابع مرکزی و دولتی که به منظور توسعه‌ی محلی اختصاص داده شده‌اند، از طریق دولت و سیستم مرکزی توزیع می‌گردند. سهمی از منابع دولتی باید صرف غلبه بر ضعف‌ها در منابع و دسترسی محدود به زیرساخت‌ها گردد. مطابق با شکل ۱، سهم قابل توجهی از این منابع به تقویت نهادسازی محلی اختصاص می‌یابد که در زمینه‌ی آزادسازی و بهره‌گیری از منابع محلی می‌تواند مؤثر واقع گردد. بهره‌گیری از این منابع محلی بر مبنای مشارکت و تفکرات سطوح محلی و همچنین تنوع‌بخشی به اقتصاد محلی، ارزش افزوده‌ای را ایجاد خواهد نمود که در دسترس نهادهای محلی قرار می‌گیرد. در نهایت، نهادهای محلی نیز از این طریق قادر خواهند بود که در زمینه غلبه بر معایب مربوط به دسترسی و منابع اثر گذار بوده و با تشخیص اولویت‌ها محلی در این زمینه اقدام نمایند. به طور خلاصه، ایجاد چنین سیستمی باعث خواهد شد که توسعه‌ی متعادل در زمینه عملکرد اقتصادی مناطق روستایی و دسترسی آنها به بازارها ایجاد گردد. با توجه به نیاز ایجاد محیط تعاملی و دوسویه‌سازی رویکردها جهت برقراری سازوکار حکمرانی مردم‌پایه روستایی، در ادامه، مواردی به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند.

مدیریت، انسجام‌بخشی و تقویت هماهنگی بین سازمانی و نهادی

مجموعه تعاملات بین بخش‌های دولتی، مردمی و بازار در حکمرانی مردم‌پایه، قبل از برقراری نیاز به پس‌زمینه‌ی مدیریتی و سیاسی مناسب نیاز دارند. در این راستا، سیستم دولتی که تاکنون غالب بر سایر بخش‌ها و ذینفعان توسعه‌ی روستایی بوده، باید پذیرای گروه‌ها و بخش‌های مذکور شود. بنابراین باید اصلاح قوانین، تغییر رویه‌ها و رویکردها جهت تمرکززدایی و پایه‌ریزی مدیریت مشارکتی، مورد توجه ویژه قرار گیرد. بطور کلی، اقدامات لازم در بعد مدیریتی و هماهنگی‌های سازمانی و نهادی شامل موارد زیر است.

✓ ایجاد، تقویت و توسعه‌ی یک نهاد هماهنگ‌کننده و اجرایی و نه صرفاً مشورتی در حوزه‌ی توسعه و عمران روستایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی

✓ تمرکززدایی در اختیارات سطوح مختلف دولتی و نظام تخصیص منابع مالی

- ✓ شناسایی و تحلیل ذینفعان و دست‌اندرکاران کلیدی و اولویت‌بندی ایشان جهت جلب همکاری و مشارکت
- ✓ پایه‌ریزی مدیریت مشارکتی با دخیل کردن تمام نهادهای دولتی، غیردولتی، بازار و جامعه روستایی
- ✓ توانمندسازی مدیران دولتی جهت فعالیت مشترک با مردم روستایی
- ✓ هماهنگی با مسئولین محلی (اعضای شورای اسلامی روستا، دهیار و بخشدار و...) و ایجاد اجماع عمومی
- ✓ برگزاری جلسات مشترک با مسئولین محلی و مذاکره و مطالبه جهت حمایت از ایده‌های جامعه روستایی
- ✓ تقویت مدیریت محلی (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها) به منظور مشارکت بیشتر در توسعه
- ✓ شناسایی و رفع موانع کار گروهی و تیمی

بررسی وضعیت موجود و تهیه نقشه راه برای رسیدن به وضع مطلوب

بررسی موقعیت، اولین مرحله از نظر اقدام و عمل در سطح روستا و در سطح جامعه روستایی است. بدون بررسی موقعیت، هیچ برنامه‌ای به درستی طراحی نخواهد شد و همچنین هیچ تضمینی برای تداوم و دستیابی به اهداف آن برنامه وجود نخواهد داشت. منطق مفهوم برنامه‌ریزی حکم می‌کند که ابتدای راه، با اشراف کامل اطلاعاتی و دانشی از جامعه محلی شروع شود که در این راستا نقش دانش بومی و دانش نوین در جهت انعکاس و خواسته‌های واقعی و مورد اجماع بسیار پررنگ و حیاتی است. با وجود این گونه از بررسی‌ها، منابع و محدودیت‌های آنها و همچنین میزان دسترسی به آنها در سطح روستا(ها) که مطابق شکل ۱، بخش عمده‌ای از منابع مالی را به خود مطعوف داشته‌اند، به شکل مناسب‌تری منعکس خواهد شد. هم‌چنین، روش‌شناسی مورد استفاده به عنوان نقطه کانونی فرآیند باید در قالب یک رویکرد مشارکتی تعریف شود. ابزارهای ارزیابی مشارکتی روستایی و اقداماتی از این دست باید در طراحی، اجرا و پایش پروژه‌های عمرانی و یا توسعه‌محور در روستاها به نحو مقتضی مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به موارد فوق، اقدامات زیر در جهت بررسی وضعیت مطلوب و تهیه نقشه راه ضروری است.

✓ جمع‌آوری اسناد و گزارشات موجود مربوط به روستا و منطقه (طرح هادی روستا، نتایج مطالعات طرح توسعه و یا آمایش سرزمین شهرستان، مطالعات منابع طبیعی و یا محیط زیست موجود و نظایر آن)

- ✓ برگزاری جلسات مشورتی و هم‌اندیشی مرتب و منظم در بین گروه‌های روستایی جهت بررسی و تحلیل وضع موجود
- ✓ شناخت وضع موجود، آسیب‌شناسی، ریشه‌یابی مشکلات و بررسی عوامل موثر بر آن با استفاده از ابزارهای مشارکتی
- ✓ تدوین چشم‌انداز آبادانی و توسعه متناسب با شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی منطقه
- ✓ تدوین نقشه‌ی راه و تهیه‌ی برنامه‌ی جامع مشارکتی اقدام محلی (در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نهادی و محیط زیستی)

بهره‌برداری از سرمایه انسانی موجود و تلاش جهت تقویت آن

وجود سرمایه‌ی انسانی و مدیریت منابع انسانی از بدیهی‌ترین ابزارهای لازم جهت حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار است. در رویکرد بالا به پایین و مدل‌های انتقال نوآوری و دانش خطی، جوامع روستایی به عنوان کاربر نهایی فرآیند توسعه انگاشته می‌شوند، در حالی که انبوهی از دانش، تجارب، ایده‌ها، انگیزه‌ها و مواردی از این دست را نادیده می‌گیرند. رویکرد حکمرانی مردم‌پایه با فرض برقراری تعاملات و روابط افقی بین بخش‌های محلی، دولتی و بازار قبل از هر موضوعی، اهمیت مدیریت مشارکتی، یادگیری افقی و اجتماعی و تولید مشارکتی دانش درون و بین این بخش‌ها را برجسته می‌سازد. بدون درنظرگرفتن این مسائل حرکت جهت غلبه بر رفع محدودیت‌ها و عدم دسترسی‌ها در منابع به منظور بهبود عملکرد اقتصادی و بهبود دسترسی به بازارها غیرممکن به نظر می‌رسد. این بخش از مقاله، مهمترین اقدامات در راستای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و تقویت آن در محیط‌های روستایی جهت ایجاد دانش و فهم مشترک توسعه ذکر شده‌اند که شامل موارد زیر است.

✓ شناسایی افراد علاقه‌مند به توسعه‌ی محلی (افراد ساکن در روستا و یا خارج از روستا)، شناسایی نخبگان دانشگاهی، خبرگان محلی و دعوت از ایشان جهت همراهی و همکاری در فرآیند توسعه‌ی محلی

- ✓ شناسایی و مستندسازی دانش بومی و انتقال مهارت‌های خبرگان محلی به جوان‌ترها و افراد علاقه‌مند
- ✓ تلاش در زمینه ایجاد محیط‌های یادگیری اجتماعی و تولید مشارکتی دانش پایداری در سطح جامعه محلی
- ✓ تلاش در زمینه‌ی توانمندسازی روانشناختی – انگیزشی (خودباوری، اعتماد به نفس، خودتکایی و تغییر نگرش)

- ✓ توانمندسازی جامعه‌ی روستایی در زمینه مهارت‌های لازم برای ایفای نقش‌های مختلف در امور برنامه‌ریزی روستایی
- ✓ ایجاد هنجارهای ذهنی مثبت در افراد با نمایش موارد، تجربیات و نتایج موفق از حکمرانی مردم‌پایه
- ✓ نیازسنجی آموزشی و ارائه خدمات آموزشی و ترویجی توسط مراجع ذیربط جهت استفاده بهینه از منابع موجود و افزایش بهره‌وری
- ✓ برانگیختن افراد، به ویژه جوانان روستایی برای ایجاد خلاقیت و نوآوری در زمینه تولید و یا ارائه خدمات جدید
- ✓ آموزش جامعه‌ی روستایی برای راه اندازی مشاغل نوآورانه و خلاق در کشاورزی و محیط‌های روستایی در راستای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و بنگاه‌های مالی
- ✓ آموزش و مشاوره در زمینه فرآیندهای بازاری و کارکردن با بخش خصوصی
- ✓ توانمندسازی مردم روستایی برای مشارکت در تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت، و ارزشیابی روند توسعه
- ✓ آشنا نمودن افراد با برنامه‌ریزی نتیجه‌محور و ابزارهای برنامه‌ریزی مشارکتی
- ✓ آشناساختن مردم محلی با تکنیک‌های پایش و ارزیابی مشارکتی
- ✓ تلاش در زمینه مهارت‌آموزی و حرفه‌آموزی متناسب با نیازها و پتانسیل‌های منطقه بخصوص فناوری‌های نوین
- ✓ فراگیری فنون مذاکره، مطالبه‌گری، اظهار نظر و پیشنهاد جهت کار با دستگاه‌های دولتی ذیربط
- ✓ آموزش در مورد مسائل حقوقی و ثبتی کسب و کارها، آشنایی با قوانین کار و ...

بهره‌برداری و توسعه‌ی سرمایه اجتماعی

اگر چه نقش سرمایه‌ها و ظرفیت‌های موجود در روستاها جهت حرکت به سمت توسعه یکسان انگاشته شده ولی در بسیاری از موارد تمرکز برای شروع اقدام توسعه، سرمایه اجتماعی است. سرمایه‌ی اجتماعی لازمه‌ی شروع و تداوم هر برنامه‌ای در سطح روستا است. به دلیل نقش ضعیف نهادهای محلی و عدم توانایی یا رغبت بخش دولتی در کشور، تاکنون به شکل مطلوبی از این سرمایه جهت بهبود وضعیت معیشت در روستاها استفاده نشده است؛ چه بسا موارد پروژه‌ای در سطح روستاها وجود دارند که باوجود هزینه‌بری‌های زیاد، اقبال عمومی مناسب و مساعدی را ندارند. توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با افزایش جریان دانش، آگاهی، نیازها و خواسته‌های واقعی، در روند پیگیری نیازهای محسوس و تبدیل نیازهای نامحسوس به محسوس نقش ویژه‌ای دارد. علاوه بر این در بعد تضمین حق اظهار نظر، حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، ایجاد محیط امن برای جذب سرمایه و مواردی از این دست که اصول حکمرانی مردم‌پایه هستند، نقش ویژه‌ای دارد. رضایت عمومی از توسعه از طرق جلب مشارکت از ابتدای فرآیند مذکور و توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی افزایش خواهد یافت. جهت تحقق این مهم، در ادامه به مهمترین اقدامات لازم اشاره می‌شود.

- ✓ سازماندهی صاحب‌نظران، نخبگان محلی و نمایندگان گروه‌های روستایی (شوراها و دهیاران) بعنوان اتاق فکر توسعه‌ی محلی در قالب شبکه‌های تسهیم دانش و اطلاعات در فضای مجازی
- ✓ اعتمادسازی و تشکیل شبکه‌های اجتماعی قوی با مردم محلی توسط نهادهای دولتی و اجرایی در راستای شفافیت‌سازی و تضمین حاکمیت قانون
- ✓ تقویت مشارکت، تعاون و مسئولیت‌پذیری در بین اعضای جامعه روستایی
- ✓ تقویت سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی
- ✓ تشکیل کارگروه‌های اشتغال و کارآفرینی و توانمندسازی آنها جهت ایجاد محیط فرصت‌شناسی کسب و کار در روستا، حمایت در بازاریابی و فروش
- ✓ ایجاد امکان ارتباط قشرهای مختلف روستایی به‌ویژه جوانان روستایی با شبکه‌های کارآفرینان و بنگاه‌های تجاری بزرگ در بخش کشاورزی و تسهیل فضای گفتگو و ارتباط در این گروه‌ها
- ✓ شبکه‌سازی در فضای مجازی به منظور تسهیم ایده‌ها و تجارب کسب و کارهای روستایی،

- ✓ سازماندهی، شبکه‌سازی و تاسیس شرکت تعاونی فراگیر و توانمند
- ✓ کمک به ارتباط تشکلهای با موارد مشابه در مناطق و روستاهای دیگر
- ✓ نهادهای مشارکت روستائیان در تصمیم‌گیری، مدیریت و پایش برنامه‌های توسعه و عمران روستایی از طریق تشکلهای مردمی روستایی

- ✓ مدیریت تضاد و حل اختلافات در جوامع روستایی

تقویت سرمایه‌های اقتصادی و مالی در نواحی روستایی

حکمرانی مردم‌پایه با تمرکز ویژه بر بخش خصوصی و بازار به عنوان یکی از مولفه‌های مهم، باعث تسهیل جریان ورود بنگاه‌های اقتصادی و جوانان و نوپذیران روستایی به حوزه اقتصاد کشاورزی و بوم‌گردی، احیای آیین‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌ها با هدف جذب گردشگر، تولیدات غیرکشاورزی و برندسازی خواهد شد و فصل نوینی از شکوفایی اقتصاد روستایی را ایجاد خواهد کرد. در این راستا، اقداماتی باید مورد اقدام قرار بگیرند که شامل موارد زیر است.

- ✓ شناسایی فرصت‌های کسب و کار، خلق ایده و مدل‌های اعتبارسنجی ایده (با توجه به مزیت‌های منطقه)
- ✓ تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد جهت جمع‌آوری پس‌اندازها و اعطای وام به اعضای صاحب ایده‌ی کسب و کارهای خرد، خانگی و کوچک
- ✓ تلاش در جهت راه‌اندازی کسب و کارهای گروهی با استفاده از ظرفیت اعضای صندوق‌های اعتباری
- ✓ پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ی کشاورزی و دامپروری و استفاده از پتانسیل‌های موجود در روستا جهت توسعه‌ی گردشگری و بوم‌گردی، جمع‌آوری و یا کاشت گیاهان دارویی، فرآوری محصولات کشاورزی و دامی، احیای صنایع دستی و صنایع روستایی فراموش شده، احیای مراسم آئینی و سنتی و حفظ اصالت و هویت روستا یا جامعه عشایری و ...
- ✓ تلاش در زمینه بسته‌بندی و برندسازی محصولات تولیدی و تبلیغ و معرفی آنها از طرق ممکن
- ✓ شناسایی مدل کسب و کار و انتخاب بهترین مدل برای ایجاد فعالیت کارآفرینانه
- ✓ شناسایی روش‌های بهینه‌سازی فرآیند مدیریت کسب و کار و شناخت مدل‌های بازاریابی
- ✓ استفاده از ظرفیت فضای مجازی جهت بازاریابی و فروش محصولات محلی و حذف واسطه‌ها
- ✓ شناسایی روش‌های پایدارسازی کسب و کار
- ✓ بررسی روش‌های مختلف تامین مالی جهت کمک به بهبود و یا توسعه‌ی کسب و کارهای محلی
- ✓ ترغیب مشارکت بخش غیردولتی و خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی روستایی

توسعه‌ی و بهبود زیرساخت‌های فیزیکی، طبیعی و زیست‌محیطی

از عوامل مهم به‌شمار آمدن یک فضای جمعیتی به عنوان فضایی کمتر برخوردار، وضعیت زیرساخت‌های فیزیکی، طبیعی و زیست‌محیطی است. همانگونه که در شکل ۱، مشاهده می‌شود، این موضوع اهمیت ویژه‌ای در الگوی حکمرانی مردم‌پایه دارد و بخشی زیادی از توان سیستم صرف غلبه بر کاستی‌ها در زیرساخت‌ها می‌شود. از این رو، توسعه‌ی زیرساخت‌های عمرانی روستایی و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست، سرعت حرکت به سمت پایه‌ریزی حکمرانی مردم‌پایه را تسریع و به تداوم آن، قوت خواهد بخشید. در این رابطه، برخی اقدامات ضروری ذکر شده است.

- ✓ تلاش جهت بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست
- ✓ پیگیری لازم جهت تخصیص منابع کافی جهت بهبود زیرساخت‌های عمرانی
- ✓ پیگیری لازم جهت توسعه‌ی زیرساخت‌های مورد نیاز در زیباسازی روستا و حفظ هویت روستا

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌دلیل ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور و دیگر مشکلاتی مانند فقدان مدیریت واحد روستایی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی،

فقدان منابع مالی پایدار و کمرنگ‌بودن مشارکت مردم، تاکنون اندک تدابیری هم که در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی اندیشیده شده موفقیت مورد انتظار را به همراه نداشته و نتوانسته انتظارات لازم را برآورده کند. پرواضح است که توسعه و عمران روستایی با مردم، به وسیله‌ی مردم و برای مردم، برنامه‌های موثرتری را طراحی و اجرا خواهد کرد. دولت‌ها در این زمینه باید حمایت خود را گسترش داده و سعی در هموارسازی مسیر توسعه نمایند. تحقق توسعه درونزا، متوازن و پایدار نیاز به مشارکت همه اعضای جامعه محلی دارد. با توجه به اینکه جامعه روستایی شناخت مناسبی از روحیات، فرهنگ، آداب و رسوم، سوابق تاریخی منطقه خویش، شرایط اقتصادی- اجتماعی و وضعیت منابع طبیعی و محیط زیست محل سکونت خود دارند، باید در ترسیم نقشه راه آبادانی و پیشرفت منطقه خویش نقش محوری داشته باشند. چنین نقشی باعث خواهد شد که آنها در پیاده‌سازی و اجرای آن برنامه نیز با جان و دل همکاری نمایند؛ زیرا نسبت به برنامه تهیه‌شده احساس تعلق خاطر دارند. بدیهی است بدون مشارکت فعال و همکاری جامعه‌ی محلی در فرآیند توسعه‌ی روستایی، شانس موفقیت بیرونی‌ها (نیروهای حمایت‌کننده‌ی بیرونی از بخشهای مختلف دولتی و غیردولتی) کاهش خواهد یافت. این موضوع به معنی واگذاری کل فرآیند توسعه به مردم محلی و روستایی نیست، به این دلیل که درخواست مردم محلی (بدلیل توجه بیشتر به منافع کوتاه‌مدت و زود بازده) ممکن است در راستای اهداف توسعه‌ی پایدار نبوده و در درازمدت سبب بروز خسارت شود. بهترین الگو جهت ترکیب رویکردهای بالا به پایین (دولت به سوی مردم) و پایین به بالا (مردم به سوی دولت)، ایجاد یک سیستم حکمرانی مردم‌پایه است. تاکنون، مردم محلی، در کمتر پروژه‌ای، از ابتدای مراحل مطالعاتی (مرحله‌ی شناخت، مراحل توجیهی و تفصیلی - اجرایی)، دخیل بوده و در طراحی و سپس اجرا، بهره‌برداری، و همچنین پایش و ارزیابی اثرات آن، نقش جدی و موثری داشته‌اند. بنابراین، نمی‌توان ادعا نمود که پروژه‌ای با رویکرد کامل و درست مشارکت مردمی طراحی و اجراء شده است. بکارگیری الگوی حکمرانی مردم‌پایه در روستاها برای نیل به اهداف عمرانی و توسعه‌ای می‌تواند حلال مشکلات فعلی باشد. برهم‌کنش‌های درونی این سیستم، باعث ایجاد برآیندی مثبت در پیشبرد اهداف ذینفعان مختلف خواهد شد و در واقع جلب مشارکت که نقطه شروع برنامه‌های حکمرانی است باعث جریان مناسب و مقتضی منابع توسعه‌ای دولتی و محلی خواهد شد. علاوه بر این، نهادهای مدنی و تشکلهای روستایی هم‌تراز با بخش‌های دولتی و خصوصی شده و می‌توانند بعنوان عنصری فعال و تاثیرگذار باشند. این نهادها، می‌توانند تصمیمات و خواسته‌های خود را در زمینه مسائل مرتبط با عمران و توسعه‌ی روستایی به بخش دولتی و خصوصی حکم کنند؛ و قادر خواهند بود تفاوت‌ها، تضادها و تعارضاتشان را با اهداف سیاستگذاران دولتی و منافع بخش خصوصی و دولتی، تعدیل کنند. پایه‌ریزی مدیریت توسعه‌ی روستایی مبتنی بر حکمرانی مردم‌پایه با ظرفیت سازی و تعدیل رویه‌های دولتی و مدیریتی، زمینه‌ساز رویت اهداف همه‌کنشگران مختلف توسعه و عمران روستایی خواهد شد. با ایجاد فضایی مبتنی بر شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت، رضایت عمومی را به حد بیشینه خود خواهد رسید. بنابراین، نگهداشت جمعیت روستایی و روند مهاجرت معکوس مورد مشاهده خواهد بود. با این وجود، تداوم و ثبات الگوی مذکور، نیاز به سرمایه‌گذاری بنیادین در ابعاد مختلف دارد. به بیان دیگر ظرفیت‌سازی در ابعاد مختلف مدیریتی، سازمانی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی و مالی و تقویت منابع و زیرساخت‌ها به عنوان پیشران جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار به‌ویژه نگهداشت جمعیت روستایی و افزایش تاب‌آوری آنها ضروری است.

۶- مراجع

- [۱] ملکیان، ع و حیاتی، د. (۱۳۹۳). الگوی گزیداری توسعه‌ی روستایی بر مبنای حکمرانی خوب و رویکرد ترکیبی. اولین همایش ملی کشاورزی، محیط زیست و امنیت غذایی
- [۵] رکن الدین افتخاری، ع.، عظیمی آملی، ج.، پورطاهری، م.، و احمدی‌پور، ز. (۱۳۹۰). تبیین رابطه رهیافت حکمرانی خوب و توسعه‌ی پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران. پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره چهارم. صص ۳۴-۱
- [۶] مقیمی، محمد و اعلائی اردکانی، مصطفی (۱۳۹۰). سنجش شاخصهای حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۷۱-۱۸۸.

- [۸] کوهستانی، ح و قاسمی، ن (۱۳۹۳). نقش حکمرانی خوب در مدیریت توسعه‌ی روستایی پایدار. اولین همایش ملی توسعه‌ی پایدار روستایی

در افاق ۱۴۰۴

- [۲] Becerra, A. T., & Bravo, X. L. (2009). Planning and neo-endogenous model for sustainable development in Spanish rural areas. 3èmes journées de recherches en sciences sociales. On line in: www.sfer.asso.fr/content/download
- [۳] Böcher, M. (2008). Regional governance and rural development in Germany: the implementation of LEADER+. *Sociologia ruralis*, 48(4), 372-388.
- [۴] Mantino, F. (2009). Typologies of governance models (No. 120735)
- [۷] Goodwin, M. (1998). The governance of rural areas: some emerging research issues and agendas, *Journal of Rural Studies* 14(1), 5-12.
- [۹] Nemes, G. (2006). *Integrated Rural Development, The Concept and Its Operation*. Budapest.